

۹۵ در سدمجرمان  
زندانی در جهان  
با مذهب هستند

# پیداری

ماهنامه‌ی شماره‌ی ۷۰ سال سیزدهم  
کانون خردمداری ایرانیان

دینداران  
نمی‌دانند که از  
گمراهانند

## خوراک مجانی

خوراک مجانی را از سر سفره‌های نذری و مراسم مذهبی، از جلوی دست خانمهای ایرانی بردارید، یک تن آنها را دیگر، در آن مجالس نخواهید دید. سفره‌های خالی دین و ایمان زنان مسلمان را به سرعت برق، بباد خواهد داد. مانده در برگهای میانی

## خمینی

خمینی فریبکار، پس از کشته شدن هرجوانی در جنگ ایران و عراق به پدر و مادر آن جوان بجای تسلیت، تبریک می‌گفت!!  
ماه‌ها شهادت امام جعفر صادق را که در این ماه بوده به همه مسلمانان شیعه با خوشحالی تمام تبریک می‌گوییم. و از هم‌میهنان خود می‌خواهیم به پیروی از خمینی پس از این، در روزهای مرگ و شهادت پیامبر و امامان از صمیم دل به یکدیگر تبریک بگویند و شادمانی کنند. چیزی که عوض دارد گله ندارد.

یوسف شریفی

### اهل ذمه (۵)

پس از مرگ شاه عباس دوم فرزند او سلیمان به سلطنت رسید. سلیمان ابتدا با نام شاه صفی دوم تاجگذاری کرد. ولی او به علت افراط در مشروب خواری و زیاده روی در اعمال جنسی و مصرف تریاک بیمار گردید. پزشکان او که از عهده معالجه او بر نمی‌آمدند تقصیر را به گردن سیارات انداختند. ستاره شناسان دربار مانده در رویه‌ی ۲

دکتر م. ع. مهر آسا

### بررسی کتابهای مشهور به آسمانی

قرآن بخش ۳۷

اصولاً واژه‌ای به نام «کلام‌الله» یک مغلطه صریح و بزرگ است. خدائی اگر موجود باشد، هم قبل از محمد بوده و هم ۱۴۰۰ سال بعد از او هم باید حی و حاضر باشد. یعنی از خلقت جهان تاکنون چنین خدایی طبق ادعای دروغ محمد باید موجود بوده باشد.



پس چرا در تمام این مدت تنها چند دقیقه‌ای با موسی و چند سالی با محمد سخن گفته است؟ دانشوران مسلمان مؤمن و معتقد از جمله آقایان دکتر سروش، دکتر داوری و دکتر حسین نصر و دیگر مؤمنانی که از دانش تجربی نیز بهره‌ور شده‌اند، به ما هم الله را نشان دهند؛ و هم بگویند جبرئیل امین وحی، پس از مرگ محمد در این ۱۴ قرن، کار و وظیفه‌اش چیست؟

بی‌هیچ تردید قرآن نیز همانند تورات و انجیل نوشته دست بشر است. اما قرآن نوشته‌ی بشری است که از لحاظ روانی پریشان حال و نارس افکار بوده است. برای نمونه یک صفحه از این کتاب یک‌دست و متوالی نیست؛ و تمام متن، یک نوع درهم‌گویی است که گفتنش تنها از روان پریشان و مبتلایان به نارسائی ذهنی ساخته است... تصور آتش سوزان جهنم؛ تصور مارهای غاشیه؛ تصور بهشت‌هایی که نهرهای آب زلال در آنها جاری است؛ تصور زنان زیبا اندام به‌نام حوری برای هوسرانی مردان؛ تصور غلمانان (پسر بچه‌ها) کم سن و سال برای آدمهای مؤمن بچه باز؛ مسافرت از مکه به بیت‌المقدس و برگشت به مکه تنها در پاسی از یک شب؛ پندارهای نامجمل و ناهمگون حتا در یک آیه - که بطور معمول باید یک جمله کامل و با معنی باشد - به ما می‌گوید که این کتاب حاصل یک ذهن معیوب است.

آیه ۱ از سوره اسراء را که می‌نویسم به معنا و مفهومش دقت لازم بفرمایید.

«شَبَحَانَ الَّذِی اسْرِی (اسراء) بَعْبِدِهِ لَیْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ اِلِی الْمَسْجِدِ الْاَقْصَا الَّذِی بَارَكْنَا حَوْلَ لَئْرِیْهِ مِّنْ اَیَاتِنَا اِنَّهُ هُوَ السَّمِیْعُ الْبَصِیْرُ»  
معنی: «ستایش کسی را که سیر داد (برد و حرکت داد) شبی بنده خود را از مکه به بیت‌المقدس که پیرامونش را مبارک و پُر نعمت ساخت تا آیات خود را به او بنمایاند. به حقیقت او کسی است که شنوا و بینا است. (منظور الله است)»

این همان آیه‌ای است که مسلمانان مفادش را به معراج محمد تفسیر کرده‌اند و معتقدند محمد در آن شب به آسمان رفته و هفت آسمان را گشته و در آنجا با موسی و عیسی و نوح و دیگر پیامبران سامی ملاقات و گفتگو داشته است و همان شب نیز به مکه برگشته است. در حالی که آیه نامی از کسی نبرده و تنها به بنده خدا اکتفا کرده است. در ضمن آیه فقط از سفر بین مکه و مسجدالاقصا سخن می‌گوید و هیچ اشاره‌ای به عروج محمد از زمین به آسمان ندارد و معلوم نیست فقهای مسلمان این دروغ را از کجای مغز خویش بیرون کشیده‌اند. حتا با وجود این آیه که در ابتدای سوره «الاسراء» آمده، در کتاب تاریخ طبری مطلقاً اشاره‌ای به این مسافرت و عروج نشده است. و دیگر تاریخ و سیره‌های اسلامی نیز خبری از این مسافرت ندارند. بی شک این یک دروغ بزرگ است و این آیه نشان از توهم‌گرایی و خیالبافی گوینده‌اش دارد.

فاصله میان مکه و بیت‌المقدس (در اسرائیل فعلی)، با هواپیماهای کنونی نیز دستکم چهار تا پنج ساعت طول می‌کشد. در حالی که آیه به ما می‌گوید که محمد در یک شب - البته یا با اسب یا با قاطر و شتر و یا با پا دویدن - به آن سرزمین رفته و برگشته است. این سخن را تنها

خیالات جنون‌آمیز و تصورات معیوب یک مغز علیل بیان می‌کند؛ و یک انسان فهیم و مُدرک می‌داند که چنین چیزی از محالات است. باورکنندگان به چنین مهملی نیز یا باید از خرد و شعور بری باشند؛ و یا عشق محمد و تعصب دینی چنان ذهنشان را پُر کرده باشد که هر سخن لهو و نادرست و دروغی را بپذیرند.

از سوی دیگر می‌دانیم محمد پیش از ادعای نبوت و نشستن بر تخت حکومت، کارش تجارت بوده و با ثروت خدیجه بانوی محتشم عرب - که بعدها به همسری او درآمد - به بازرگانی مشغول بوده است. و به همین علت بارها به نواحی شام و شهرهای دمشق و بیت‌المقدس سفر کرده و از نوع پیشرفت و زیبایی‌های طبیعی آن نواحی آگاهی داشته است. بنابراین وقتی که در این آیه در مورد بیت‌المقدس می‌گوید: «... بَارَكْنَا حَوْلَهُ لَنُرِيَهُ مِنْ اَیَاتِنَا...» و از جلوه‌های زیبای ناحیه از زبان الله سخن می‌گوید: که ما اطراف آن را با آیات خود زیبا کردیم - بی هیچ تردید گفته‌اش بیان یک تصویر ذهنی از ناحیه و حاصل خیال‌پردازی و توهم سازی و یک نقاشی در ذهن مریض اوست. مردم عربستان چادر نشین و بدوی بودند؛ و مردم نواحی شام و روم شرقی متمدن و شهرنشین. مردم آن نواحی شهرهایشان را نیز با ساختمانها و عمارات قشنگ و زیبا جلوه داده بودند؛ و محمد در کتابش آن کارهای ساخت دست و فکر آدمی را به آیات خدا توصیف کرده است. پرسش از محمد و پیروانش این است چرا الله این لطف و مرحمت را در حق شهر مکه که زادگاه پیامبرش بود انجام نداد و مبارکش نکرد؟

هیچ آدم سالم و تندرستی از نظر روانی آن هم در چهارده قرن پیش، نمی‌تواند بگوید و نخواهد گفت که من در یک شب از مکه رفتم به بیت‌المقدس و برگشتم سر جای اولم؛ مگر این که ذهنی علیل و روانی پریشان داشته و در یک کلمه «دیوانه» باشد. گوینده این سخن بطور محتوم آدمی مجنون بوده است. تمام سوره‌هایی که در مکه نوشته شده‌اند، همه خیالبافی‌ها و لفاظی‌هایی است دیوانه‌گونه. ولی سوره‌ها و آیه‌های قرآن در مدینه کمتر به توهم پرداخته و بیشتر جنبه دستوری و حکمرانی پیدا می‌کند. زیرا در مدینه، محمد چند نفری را به عنوان کاتب آیات استخدام کرده بود و اینها چون با سوادتر از محمد بودند و در ضمن همانند محمد پریشانی روان نداشتند، آیات او را با نوعی خردگرایی تصحیح می‌کردند و می‌نوشتند که دستورهای یک حاکم را برای فرمانداری نشان می‌دهد.

#### اهل ذمه

به او گفتند سبب بیماری نحوست ساعت تاجگذاری بوده است. کسان دیگری در دربار می‌گویند، یهودیان برای شاه جادو کرده بودند. شیخ علی خان اعتمادالدوله سحر و جادو را کشف کرده به شاه توصیه می‌کند اسمش را تغییر دهد تا به این وسیله از آسیب سحر و جادو مصون بماند.

**ملت های عقب افتاده چشم برگذشته خود دارند، و**

**کشورهای پیشرفته چشم بر آینده خود دوخته‌اند.**

**افشین مهرآسا**



## اهل ذمه (۵)

مانده از رویه ی نخست

در زمان شاه سلیمان زرتشتیان کرمان را از داخل شهر بیرون کردند و آنان را مجبور کردند در خارج از شهر مسکن گزینند. در همین زمان علمای کرمان گفتند مجوسیه باید بیرون از شهر منزل نمایند تا با مسلمانان محشور نباشند. شاه سلیمان در اثر مصرف زیاد شراب و عیاشی ها و خوشگذرانی های بی حساب در سال ۱۶۹۴ میلادی در سن ۴۷ سالگی فوت می کند.

محمد باقر مجلسی، شیخ الاسلام در سلطنت شاه سلیمان و بعد از او شاه سلطان حسین بود که ضمناً امامت جمعه اصفهان، منصب قضاوت شهر اصفهان را نیز داشت. او در عقاید شیعی خود بسیار متعصب و خشک اندیش بود. دکتر ذبیح الله صفا می نویسد یکی از علل سقوط صفویه و حمله افغان ها به اصفهان تعصب و خرافات مذهبی بود که در دوران محمدباقر مجلسی فزونی گرفت. وی در سخت گیری، آزار اهل سنت و متهم به بدعت و الحاد و در کشتار صوفیان و نشر اوهام و خرافات مشهور است. پرفسور ادوارد براون او را قاتل صوفیه و کفار و شخصی مهیب و هول انگیز نام برده است و گفته سقوط اصفهان و غلبه افغانها در نتیجه سخت گیری ها و آزادی کشی های او و همکارانش بوده است. او به محض رسیدن به مقام شیخ الاسلامی دستور شکستن بت هندیان مقیم اصفهان را داد، پس از شکستن بت، یکی از ملازمان او ریسمانی به گردن بت انداخته در کوچه و بازار اصفهان بر زمین کشیدند. مجلسی تمامی صوفیان را تبعید کرد، حلقه های ذکر ممنوع و مردم را از یاهو گفتن منع نمود. در دکان کوزه گران، خمره ها را می شکستند به این بهانه که اگر در آنها دمیده شود طنین یاهو شنیده می شود. نقاشی صورت انسان ها را حرام دانسته و معتقد بود اگر صورتی کشیده شود «بهتر آن است که آن را ناقص کنند، مثلاً چشمش را کور کنند یا عضوی از آن را محو نمایند». کشیدن تصویر انسان با دو چشم از نظر فقه شیعه صفوی ممنوع است و هنرمندان تابلوهای خود را با یک چشم می کشیدند. مردم متعصب هر جا عکسی با دو چشم می دیدند فی الفور چشم چپ او را با چاقو درآورده و خراب می کردند. محمد باقر مجلسی موسیقی را حرام می دانست و خوانندگی را نوحه شیطان می شمرد. او از قول امام علی می گوید: «کبوتر نفرین می کند بر آنها که سازها می زنند یا عود و نی می نوازند» از قول امام صادق می گوید «حیا از کسی که در خانه اش طنین موسیقی شنیده شود برطرف شده و غیرت از او زایل شود تا آن که اگر دارند بازناش زنا می کنند غیرت نورزد».

محمدباقر مجلسی مخالف تجارت و دوستی با زرتشتیان، مسیحیان و یهودیان بود و از قول امام موسی می گوید «مسلمان نباید با گبر در یک کاسه چیزی بخورد و یا با او در یک فرش بنشیند و با او سخن بگوید». اگر دست به دست جهودان، ترسایان و گبران بزنی دست را بشوی یا به خاک و دیوار بمال در صورتی که دست ها تر نباشند. در مورد دیدن پزشک مسیحی می نویسد: «باکی نیست که سلام بر او کنی و او را دعا کنی که دعای تونفعی به او نمی رساند». مجلسی از قول پیامبر اسلام می گوید «به اهل کتاب سلام نکنید تا آنها به شما سلام کنند و شما علیکم

بگویند»

یک خانم تحصیل کرده می گفت خواندن قرآن به من آرامش می دهد. برای او آیه ۲۴۴ از سوره بقره را خواندم «و قاتلو فی سبیل الله و اعلموا ان الله سمیع علیم - بکشید در راه خدا که او به گفتار و کردار خلق شنوا و داناست» و از او پرسیدم آیا این جمله با این معنا به شما آرامش می دهد؟

پاسخ داد من تا کنون و هرگز به معنای نوشته های قرآن فکر و دقت نمی کردم. چند آیه از سوره نساء را که توهین مستقیم به خودش، یعنی به زن ها بود برایش خواندم، بسیار تعجب کرد و گفت عجب!

اما هفته بعدش شنیدم همین خانم رفته به سر سفره نذری دوستش و خودش هم یکی از خوانندگان قرآن در آن مجلس بوده است!

میکرب اسلام تحصیل کرده و تحصیل نکرده نمی شناسد به هر مغزی که افتاد او را مانند بچه های عقب مانده، مغز بزرگ تو خالی می کند.

## سپاسگزاری

اگر ما به آن چند تن ایرانیان آزاده و دریادلی که بدون وقفه هر ماهه به بیداری کمک مالی می کنند تا از انتشار نه ایستد تلفن نمی زنیم یا در بیداری از آنها سپاسگزاری نمی کنیم، نه از سر بی توجهی یا فراموشی است بلکه براستی نمی دانیم با چه واژه ای کار بزرگ و اثر گذار آنها را بستاییم. چون ارزش کار آنها بسیار والاتر از آن است که با یک سپاسگزاری پاسخ داده شود. باورش هم مشکل است که این چند تن بی درخواست و بی تبلیغ و سودی بی دریغ هزینه روشن اندیشی هم میهنان خود را به عهده گرفته اند. هرکس در راه خوشبختی و سربلندی دیگران از پول خود بگذرد بی شک انسان بسیار ارزشمند و بزرگی است. آنچه که گوشه ای از سپاس ما را بازگو کند، این است که اذعان کنیم اگر این چند تن بزرگوار در کنار ما نمی ایستادند محال بود بیداری همه جا را درنوردد و به یاری مردم و جوانان ما در آید. ما همه مدیون آنها هستیم، و آرزوی تندرستی و شادکامی برایشان داریم.



## اسلام دین جهنمی

تا چند سال پیش هیچ فرد غربی جرات انتقاد و توهین به اسلام و پیامبر آن را نداشت و هیچ رسانه‌ای جرات نمی‌کرد به اسلام بگوید بالای چشم ابروست. اما امروز با رفتاری که مسلمانان جهان از خود بروز می‌دهند و جهان را متلاطم کرده‌اند در بیشتر رسانه‌های غربی، کاریکاتور پیامبر اسلام به وفور کشیده شده و سخنان تند غربی‌ها نسبت به اسلام و محمد در رسانه‌ها به راحتی منتشر و خوانده می‌شود.

روز نوزدهم آگست ماه گذشته «شریلین جرج» سیاستمدار استرالیایی خواستار از بین بردن آثار اسلامی از جمله مساجد در استرالیا شد. او اسلام را یک دین جهنمی نامید و ساخت مسجد را در استرالیا خیانت به کشور خود توصیف کرد. او گفت در صورت رای آوردن در انتخابات منطقه‌ای، ساخت مسجد را در سواحل شرقی کشور ممنوع خواهیم کرد، وی ادعا کرد اسلام پیش از آنکه یک اعتقاد باشد یک نظام حقوقی است و مسلمانها می‌خواهند پرچم اسلام را در آن ناحیه برافراشته کنند.

## نامه یک مسافر از ایران این چه فرهنگی است؟

من برای نخستین بار پس از سی و چهار سال برای دیدن خواهرم که به همراه همسر و سه فرزندشان پس از انقلاب به آمریکا آمده بودند به اینجا آمدم. موضوعی که با دیدار فرزندان خواهرم متوجه شدم مرا به تعجب انداخت که برای شما می‌نویسم و می‌پرسم این چه فرهنگی است که ما داریم. دو فرزند بزرگتر خواهرم از دوران نوجوانی خانه پدر و مادر خود را ترک کرده و بیشتر در خوابگاههای دانشجویی آمریکا به تحصیل خود ادامه دادند. فرزند کوچکتر خواهرم تمام این سالها را در خانه پدر و مادرش زندگی می‌کرد و از آنها دور نشد. در مقایسه این سه فرزند خواهر با دو بچه خودم که در ایران هستند به تفاوت بزرگی رسیدم. آن دو بچه خواهرم که خیلی کمتر با پدر و مادرشان زندگی کرده‌اند بچه‌های بسیار راستگو و بی‌شیله پبله بودند و آن یکی که بیشتر در خانه با پدر و مادرش بوده به خوبی و خلوص آن دو تن دیگر نبود، اما هر سه آنها در مقایسه با دو فرزند من که در ایران زندگی می‌کنند و بزرگ شده‌اند زمین تا آسمان فرق دارند، بچه‌های من، اولاً که همیشه با هم دعوا دارند و قهر هستند با وجودی که هرکدام جداگانه کار و بار خوبی دارند ولی سر همدیگر و حتا سر ما که پدر و مادرشان هستیم کلاه می‌گذارند و چپ و راست دروغ می‌گویند. دروغ از زبان آنها نمی‌افتد مرتباً سر فامیل، سر مشتری و سر همدیگر کلاه می‌گذارند چیزی که در میان بچه‌های خواهرم اصلاً دیده نمی‌شد. پرسش من این است که چرا هر بچه ایرانی که بیشتر با پدر و مادرش زندگی کند انسان ناسالمتری می‌شود تا این که از دامن آنها دور باشد؟

زهرا جوهری

## دکتر علی نیری دانشمند فیزیک اتمی

دنباله کدام نظم را در کار خدا دیده‌اید؟

## خدا و نظم جهان

از دکتر علی نیری دانشمند بزرگ ایرانی که دستی دراز در فیزیک و فضا و دانش‌های مربوط به فضا شناسی دارد پرسیده شد، آیا وجود خدا را، آنطور که مذهبی‌ها عنوان می‌کنند، از روی نظمی که ادعا می‌شود در عالم هست، می‌توان به اثبات رساند، بخشی از پاسخ طولانی و پُر از مثال‌های گوناگون دکتر نیری را برای روشنگری و آگاهی خوانندگان می‌نویسم.

پرسش بسیار خوب و مهمی است، یکی از آموزه‌های کودکی و دینی غیرمستدل همین ماجرای قانونمند بودن و نظم داشتن دنیا است. اتفاقاً عالم در نهایت بی‌نظمی به جلو می‌رود هرچه عمر کیهان بیشتر می‌شود، این بی‌نظمی بیشتر و بیشتر دیده می‌شود.

قانون دوم ترمودینامیک که یکی از اصلی‌ترین دست آوردهای فیزیک می‌باشد، ثابت می‌کند بی‌نظمی مدام در حال افزایش است. اگر در هر سیستمی بخواهید جلوی بی‌نظمی را بگیرید باید برایش انرژی زیادی صرف کنید. مثلاً ساختمانی را که خوب نگهداری نکنید فرسوده خواهد شد، سیستم‌ها بدون استثناء تمایل به بی‌نظمی دارند، هرچه که نظم دارد، بالاترین انرژی را لازم دارد، زمان نیز در جهت افزایش بی‌نظمی پیش می‌رود. نظم نگهداری می‌خواهد. به جهت عمر کوتاه انسان، به نظرش برخی چیزها منظم می‌آید در صورتی که در دراز مدت این نظم وجود ندارد. نظم‌ها یا موقتی است که به چشم ما نمی‌آید و یا تصادفی است که آنهم دائمی نخواهد بود (در این باره دکتر چندین مثال مفصل زدند) یکی از مثالها را می‌آوریم روزنامه‌ای را با قیچی ریز ریز کنید و در مشت بگیرید و آن را از ارتفاع به روی زمین پخش کنید ده بار که انجام دهید ممکن است یکبار در یکی از این تلاشها یک شکل جالبی از کاغذ ریزه‌ها در گوشه‌ای از زمین دیده شود، که بنظر منظم آید، و این امر کاملاً تصادفی است بهمین شکل نظمی که به ظاهر در منظومه دیده می‌شود کاملاً یک تصادف بوده که از یک فرم بی‌نظمی به وجود آمده است و از بین هم خواهد رفت، به مرور زمان فاصله ماه و زمین بیشتر و بیشتر خواهد شد تا از نیروی جذب هم خارج شوند و آن زمان است که کل نظم مصنوعی این منظومه هم از بین خواهد رفت و از کل منظومه به شکلی که تا امروز می‌بینیم چیزی باقی نخواهد ماند. تاکید می‌کنم، نظم منظومه نظمی است که از یک بی‌قاعدگی طی میلیاردها سال بوجود آمده (در اثریک تصادف) و این نظم در حال تغییر و از بین رفتن است.

هرچه انرژی کمتر شود بی‌نظمی فزونی می‌گیرد در سال و زمان گوگلی (یک با ۱۰۰ صفر جلوی آن) هیچ نظمی دیگر در جهان باقی نخواهد ماند حتّی ساختار اتم‌ها هم از کار می‌افتند و از بین می‌روند.



## دروغ چرا؟

از بس که ایرانی‌ها از آغاز تاریخ دروغ می‌گفتند و کارهای نادرست انجام می‌دادند و اندیشه‌های بد در سر داشتند، هرکس که آمد آنها را بر حذر از دروغ و دغل کرد. زرتشت آمد، شاه بیت سخنش آموزش مردم به گفتار و کردار و اندیشه نیک بود. بی شک اوضاع گفتار و کردار و پندارهای مردم آنچنان بد بوده است که این روشنفکر زمانه مردم را تشویق به نیک شدن می‌کند. بیش از هزار سال بعدش کورش و داریوش می‌آیند، فریادشان از دروغ و دغل مردم به هوا می‌رود و آنچه را که در منشورها و فرمانهای خود خطاب به مردم می‌نویسند ای مردم دروغ نگویند و از اهورامزدا خواهان ارشاد ایرانیان می‌شوند. اسلام وارد ایران می‌شود با تهدید، دروغگو دشمن خداست و خدا او را در آتش جهنم خواهد سوزانید این یکی هم اثر نکرد، اوضاع بدتر از پیش هم شد. سعدی و ده‌ها مصلح اجتماعی دیگر آمدند اما هیچ تغییری در ما ایجاد نشد. و امروز ما ایرانیان (بویژه ایرانیان درون کشور) در گفتار و کردار و اندیشه به وضعیت اسفباری در غلتیده‌ایم. آنچه که همگان می‌دانند و می‌شنویم امروز در ایران راستگویی و راست کرداری کاملاً از بین رفته، سنگ روی سنگ راستی و درستی بند نیست و اوضاع هر روز بدتر هم می‌شود و روابط اجتماعی و خانوادگی همه و همه به دروغ و نیرنگ آلوده است. چرایش را شما می‌دانید؟

### کدامشان ایرانی هستند؟

وصیت می‌کنم، بعد از مرگم، مرا جوار مزار حضرت زینب در سوریه دفن کنید. دکتر علی شریعتی - دشمن ایرانی و ایران  
وصیت می‌کنم، بعد از مرگم، مرا در اصفهان کنار پل خواجو به خاک بسپارید. پرفسور آرتور آپهم پوپ - عاشق ایرانی و ایران

آیا این جهان را خدایی هست که خالق جنایتکارانی مانند هیتلر، پل پت، استالین، خمینی، خلخالی، مرتضوی، لاجوردی، اصغر قاتل، قاضی صلواتی و هزاران نفر از این‌ها بدتر می‌باشد؟ اگر چنین خدایی وجود دارد، آیا او را باید پرستید؟ یا اینکه شما هم یک خدای دیگر در ذهن برای خود ساخته‌اید و از روی ترس او را می‌پرستید؟

درجه دانش مردم هیچ ارتباطی با اندازه شعور آنها ندارد. از؟

## برگردان محمد خوارزمی

### دوگانه گویی در کتاب مقدس!

- ۱- فرزند نباید تاوان پدرش را پس بدهد (Ezekiel)
- ۲- من خداوند پروردگار تو خداوندی حسود هستم، تاوان شرارت پدران را پسران باید پس بدهند، تانسل سوم و چهارم هم باید تاوان پس بدهند (Exodus)
- ۱- به پدر و مادرت احترام کن (؟)
- ۲- اگر مردی به نزد من آید و از پدرش و مادرش و زنش و فرزندانش و برادرش و خواهرش و جان خودش هم بیزار نباشد نمی‌تواند مرید من باشد (Luke)
- ۱- من خداوند را رو در روی خود دیده‌ام و عمرم جاویدان شده است (Genesis)
- ۲- هیچ کس خداوند را هیچ وقت ندیده است (Jonn)
- ۱- از خداوند همه کاری برمی‌آید (Matthew)
- ۲- خداوند به همراه «جودا» موفق شد ساکنین کوهستانها را بیرون براند، اما نتوانست ساکنین دره‌ها را بیرون براند، چون آنها گاری‌های آهنین داشتند (Judes)
- ۱- شما باید جان در عوض جان، چشم در عوض چشم، دندان در عوض دندان، دست در عوض دست، پا در عوض پا، سوزاندن در عوض سوزاندن، زخمی کردن در عوض زخمی کردن قصاص کنید (Exodus)
- ۲- در برابر بدی، بد بخرج ندهید، بلکه اگر کسی به گونه راست شما سیلی زد، گونه چپ را جلو بیاورید که به گونه چپ شما هم سیلی بزند (Matthew)
- ۱- این میثاق من است که شما باید آنرا اجرا کنید، بین من و شما و نسل بعد از شما هر پسر بچه‌ای باید ختنه شود. (Genesis)
- ۲- اگر ختنه شده باشید مسیح هیچ امتیازی به شما نخواهد داد (Galatians)

### از آن روز که دانش پدیدار شد

دیگر نه دریا شکافته شد، نه انسانی در دهان ماهی رفت، نه آتشی گلستان شد، نه عصا مار شد، نه فرزندی بدون پدر از مادری باکره به دنیا آمد، نه مُرده‌ای زنده شد، نه ماه به دو نیمه شد، نه خری پرواز کرد و به معراج رفت و نه پیامبری ظهور کرد. تا یکصد سال دیگر ریشه دین را دانش از بیخ و بن خواهد سوزانید.؟



دکتر مهر آسا

## شیعه زائده اسلام!

علی لاریجانی رئیس مجلس اسلامی ایران که پیشترها و در ابتدای خدمتش به حکومت اسلامی از اعضا و سرداران سپاه پاسدار بوده و در همان زمان با سوءاستفاده از مقدرات و امکانات دولتی، یکی از هزاران دانشکده‌ای را که در ایران در هر شهر و قصبه درست شده است؛ به پایان رسانده و چون هزاران بی سواد دیگر در این حاکمیت عنوان دکتری را زیب نام خویش کرده است، در یکی از سخنرانی هایش در مقام ریاست مجلس شیعیان در مصلاهی شهر کاشان به مناسبت ۱۵ شعبان که شیعیان آن را روز تولد امام موهوم در تقویم شان جا داده‌اند، گفته است:

«اگر ایران امروز سرفراز است به خاطر این است که تشخیص داده باید از ولایت امر تبعیت کند؛ و در مقابل بسیاری سرگشتگی ها در جوامع اسلامی به این خاطر است که ولایت ندارند»  
همچنین آقای الهام که تحصیلات حقوقی دارد و سخنگوی دولت احمدی نژاد است، فرموده است:

«احمدی نژاد در زمان ظهور امام زمان با رجعتی دوباره باز خواهد گشت!!»

بیان این نوع اظهار نظرها از سوی بزرگان و سران حکومت شیعی ایران علاوه بر سیاست بازی گوینده تنها نشان از بلاهتی است که بنمایه‌ی مذهب تشیع را ساخته و سرپای مناسک و مراتب این آئین به آن آغشته است.

مذهب شیعی در میان دین‌ها و مذاهب سامی یا به لحنی دیگر ادیان ابراهیمی، از همه بیشتر بی پایه و مسخره بوده و به دروغ و دغل آغشته است. شیعه آئینی است که اوهام و خرافات در آن غوغا می کند و هیچ یک از ادعاهایش بر مبنای خرد ورزی و منطق نیست و بخش های مهم و قابل دیدنش همه بر مبنای توهم و دروغ و خرافه بنا شده است. ادعای «غدیر خم» شان که در واقع پایه اصلی مذهب شیعه است دروغی است به عظمت زمین و درازای ۱۴ قرن تاریخ اسلام.

محمد پیش از رفتن به حج الوداع (آخرین حج در سال پایانی عمر) علی را با لشکری برای غارت کشور یمن به آن سو فرستاده بود. علی ضمن تسخیر یمن اموال فراوانی را غارت کرده بود اما حاضر نشده بود آن را در همان محل و محیط فتح، بین جنگجویان تقسیم کند. به آنان گفته بود باید اموال را دست نخورده به مدینه برسانم و در آنجا پس از برداشت خمس (یک پنجم) برای محمد بقیه را طبق نظر محمد تقسیم خواهیم کرد. این تصمیم علی مورد پسند و قبول سران و سربازان قشونش قرار نگرفت و آنان اسرار در تقسیم اموال در همان محل داشتند. علی نیز که در یکدندگی شهره بود، از پذیرش این درخواست

سر باز زد و راهی مدینه شد اما در میان لشکریان اسلام سخن بر سر گشتن علی بودا علی و لشکرش در میان راه در جایی به نام «غدیر خم» با کاروان حج محمد که پس از انجام حج از مکه برمی گشت، تلاقی کرد. محمد از مآوقع و اختلاف لشکر همراه علی مطلع شد؛ و چون شنید که مخالفان علی قصد قتل او را دارند تصمیم گرفت وارد کارزار شود و علی را از مخمصه برهاند. لذا در همان جا از چند کوهان شتر سکونی ساخت و روی آن رفت و خطاب به لشکریان گفت: «علی از من است؛ و کسی که مرا دوست دارد باید علی را هم دوست داشته باشد. خدایا دوست بدار دوستداران علی را و خفیف گردان دشمنانش را...» چیزی در همین مفهوم و مایه که تمام تاریخ نویسان و سیره پردازان مسلمان به آن اشاره دارند؛ و هیچ سخن و کلامی مبنی بر جانشینی در سخنان محمد نبوده است. اما به گفته زنده یاد کسروی، شیعیان کلمه مولا را به امام تعبیر کرده و ادعا دارند محمد گفته است: «من کنت مولا فهاذا علی مولا» و این یعنی علی جانشین من است. در حالی که طبق نظر کسروی که عربی را از تمام آخوندهای زمان خود بهتر می دانست، مولا به معنای نسب فامیلی است و محمد اگر چنین حرفی را هم زده باشد گفته است علی با من نسبت دارد و منسوبین او قوم و خویش من هم هستند.

این ادعای شیعیان از بیخ دروغ است به چندین دلیل:

۱- به هنگام مرگ محمد بر سر جانشینی اش بین سران قوم و قبیله قریش نفاق و دو دستگی افتاد و هر قومی امارت و حکومت را لایق خود می دانست؛ و هیچ سخنی از تعیین جانشین از سوی الله و محمد در میان نبود. در آن هنگام تنها سه نفر با علی همسو بودند و خلافت را لایق او می دانستند؛ آن هم نه به خاطر ماجرای غدیر خم، بل به سبب دوستی با علی و نزدیک بودن علی به محمد از لحاظ روابط خانوادگی.

اگر ادعای شیعیان در مورد غدیر خم درست است و محمد آنجا علی را جانشین منصوب کرده است، چرا آن همه مردم مدینه که همراه محمد از حج الوداع برگشته بودند رو در روی عمر و ابوبکر نایستادند و نگفتند ما با گوش خود شنیدیم محمد، علی را جانشین خود کرد و شما راه غلط می روید و به ابوبکر بیعت کردند؟! برای این که چنین موضوعی صحت نداشت و این دروغ را قرن ها بعد شیعیانی مانند کلینی ساختند و به محمد نسبت دادند.

۲- جانشینی محمد چه آن هنگام و چه قرن ها بعد جنبه دینی نداشت و تنها بخش مادی و دنیائی قضیه یعنی حکومت و امارت بود که مورد توجه محتشمان عرب و سران طایفه ها قرار گرفته بود.

اعراب می دانستند محمد در ادعایش بیش از پیامبری و نبوت،



## مهدی خلجی - مفسر سیاسی

متأسفانه بعد از ۲۰ سال مبارزات آزادی خواهانه، ما ایرانی‌ها هنوز یک شناخت علمی از دین و جامعه دینی خودمان نداریم. ما هنوز جامعه و گرایشهای مذهبی متفاوتی را که در آن جامعه هست نمی‌شناسیم، طبیعی است که هر برنامه سیاسی، هر حزب سیاسی و ایدئولوژی سیاسی که بخواهد در آینده موفق باشد و هدفش برقراری یک حکومت سکولار باشد نیازمند داشتن یک تصویر دقیق و علمی از جامعه ایران است. و امروز متأسفانه چنین پژوهش و تصویری وجود ندارد. کسی نمی‌داند در ایران چند نفر مقلد هستند و تقلید می‌کنند، از چه کسی تقلید می‌کنند، در چه موردی تقلید می‌کنند، چقدر وجوهای می‌دهند، چقدر خمس می‌پردازند، چه کسی چقدر خمس می‌گیرد، خمس‌ها را چگونه هزینه می‌کنند، اینها نمونه‌ایست برای مطالعات جامعه‌شناختی، اتنوپولوژیک و پژوهش‌های میدانی و ضروری برای هرگونه برنامه ریزی سیاسی در جامعه‌ای که باید با استناد به درک علمی از واقعیت‌های موجود صورت بگیرد.

این کافی نیست که ما رؤیاهای خوبی داشته باشیم، آرمان‌های خوبی داشته باشیم، اما واقعیت‌ها را نشناسیم، که نتیجه‌اش دوره‌های کوتاه امید است که به دوره‌های بلند ناامیدی و یاس و سرخوردگی تبدیل خواهد شد. نکته دوم اینکه خطر دیگر برای فعالان سیاسی، نگاه غیرواقعی و رمانتیک به جامعه ایران است. از اینکه ما ایران را دوست داریم شکی نیست، همه ایرانی‌ها ایران را دوست دارند اما اینکه تصور رمانتیکی به جامعه خود داشته باشیم بسیار مخاطره‌آمیز است. جمهوری اسلامی می‌گوید جامعه ایران همه یک ملت مسلمان مبارز در صحنه هستند، کسانی که مخالف جمهوری اسلامی هستند بسیارشان می‌گویند، اکثر ملت ایران مخالف جمهوری اسلامی هستند. دولت هرکسی را که مخالفت می‌کند می‌گوید اینها صهیونیست هستند، از این طرف هم هرکسی مردم را درون ایران می‌زند می‌گویند اینها را از لبنان آورده‌اند، فلسطینی هستند، ایرانی که ایرانی را کتک نمی‌زند!

این جور تقدیس ایرانی و ایران یک مشکل پوپولیستی است. ما زیر بغل این ملت نجیب و شریف هندوانه می‌گذاریم و واقعیت ندارد، یک عده از مردم ایران شریف هستند یک عده شریف نیستند، یک عده از مردم ایران نجیب هستند و یک عده نجیب نیستند، یک عده از مردم ایران با سواد هستند یک عده سواد ندارند.

ممکن است ما ایرانی‌ها از کلمه آزادی خوشمان بیاید ولی در عمل پای آزادی و مسئولیت که بیفتد چه بسا ترجیح بدهیم زیر عبای یک سید پیرمردی جمع شویم تا اینکه خودمان بخواهیم مقدراتمان را بعهد بگیریم. چون آزادی یک چیز دشوار و پُراز مسئولیت است نکته مهم دیگر اینکه فراموش نکنید که با بی‌دین شدن ذهنیت مذهبی از بین نمی‌رود با نفی دین ذهنیت مذهبی از بین نمی‌رود. شما می‌توانید بی‌دین باشید اما ساختار فکری شما مانند یک آدم دین دار باشد.

حکمرانی و نوعی سلطنت را مد نظر داشت و برای چنین مقامی بود که می‌جنگید. لذا ابوبکر و عمر و عثمان و علی یعنی چهار خلیفه نخست نیز جانشین سیاسی و کشوری محمد بودند و همه به‌امیرالمؤمنین مشهور بودند و امور دنیوی مردم عرب را راهبری می‌کردند و کار دین را به‌همان قرآن سپرده بودند. به‌همین دلیل علی در نامه‌اش به معاویه می‌نویسد: «ای معاویه بدان همان کسانی که به ابوبکر و عمر و عثمان بیعت کردند، به من هم بیعت کرده و مرا به امیری برگزیده‌اند. و کسی حق ندارد آن را نپذیرد و گردن نهد. انتخاب خلیفه از سوی مهاجران و انصار است. اینان هرکس را انتخاب کرده و امام خود بدانند، خوشنودی خدا نیز در آن است» عربی این نامه در کتاب نهج‌البلاغه که به‌سخنان علی منسوب است آمده و همگان آن را خوانده‌اند. اما شیعیان با وجود این دلیل مدقن، عقیده دارند خلیفه چیزی ساختگی است و باید امامت باشد و امام نیز باید از سوی خدا تعیین شود و علی نیز از سوی خدا تعیین شده بود! در حالی که حسن پسر علی فقط شش ماه خلافت کرد و آن را با پول فراوان به معاویه فروخت.

۳- محمد در زمان حیات خود با آوردن آیه‌ای خود را خاتم‌النبین خواند و پیامبری را تمام شده اعلام کرد. پس مطابق قرآن کسی نمی‌تواند از نظر لاهوتی و آسمانی جانشین محمد باشد؛ و آن خلفا همه حکام و سلطان زمان خود بوده‌اند و امارت و سلطنت محمد را تداوم بخشیدند.

۴- کشتن عثمان با شورش مردم مدینه، دلیلی دیگر براین است که مردم به خلفا مقامهای الهی و آسمانی نمی‌دادند و آنان را حاکمان زمان و زمین می‌شناختند که می‌توانستند بر ضدش بلند شده و حتا او را بکشند. به‌همین دلایل، سنی‌ها برای خلفای راشدین مکان قدسی قائل نیستند و به آنها به‌صورت امیر و پادشاه می‌نگرند. ادامه در شماره‌ی آینده

رادیو مانی صدای آگاهی و آزادی، صدای نقد بی‌تعارف بر اسلام و ادبیات را بشنوید، در رادیو مانی برنامه سازانی چون میرزا آقا عسگری - دکتر محمد علی مهرآسا - سیاوش لشگری - دکتر علیرضا آثار - علیرضا سپاسی - پری عسگری - هومر آبرامیان - آبتین آینه و بسیاری دیگر شرکت دارند. برنامه های میزگرد جنبش‌رهایی از اسلام - پای سخن تبیینی‌ها - اسلام و ایرانیان و .... را بشنوید [www.radiomani.com](http://www.radiomani.com)

در ایران قدیم جز رازی و خیام هیچ آزاده واقعی نداشته‌ایم ایرانی فقط لباس پوشیدنش امروزی شده، اندیشه‌هایش در چند هزار سال مانده است.

دکتر علیرضا آثار جامعه‌شناس



## سیاوش لشگری

## دین های شکمی

\* سفره های خوراک مجانی را از جلوی دست زنان شکموی مسلمان جمع کنید، یک تن آنها را در مراسمی که خوراک ندهند دیگر نخواهید دید. خانم های سفره برو و سفره انداز لس آنجلس - اورنج کانتی - سن دیآگو - پالاس وردس - سانفرانسیسکو - سن حوز - تکزاس - نیویورک - آتلانتا - مونترال - ونکوور - و هر جا که زنان ناآگاه ایرانی این سفره ها را پهن می کنند و یا به سر اینگونه سفره ها می روند.

\* تنها جای سودمند و مورد نیاز مکان های مذهبی که براستی به درد بشریت می خورد همان سرویس های قضای حاجت آنهاست بشرط این که دانشمندان اسلامی روزی بتوانند فکری بحال بوی بد مستراح های اسلامی شان بکنند.

\* روایت از امام نقی است که ثواب سرویس مبال های مساجد بیشتر از رفتن صد بار به حج عمره است!

\* مسلمانها به عشق خوراک مجانی یک هزار و چهارصد سال است جسد اسلام را بدوش گرفته از این مسجد به آن مسجد و از این سفره به آن سفره می برند.

\* مسلمان ها به خوراک مجانی بیشتر ایمان و علاقه دارند تا به پیامبر و امام و الله، البته خجالت می کشند این راز را فاش کنند.

\* اگر برای یکسال در هیچ مراسم اسلامی خوراک مجانی سرو نشود، اسلام به آنجا می رود که عرب نی انداخت!

\* امتحانش آسان است، به خانم های سفره برو یک تلفن بزنید و اطلاع بدهید این شب جمعه در سفره حضرت رقیه و یا دعای کمیل شام نخواهد بود، آن شب بیشتر خانم ها گرفتار می شوند و نخواهند آمد. برای خانمهای مسلمان دعای بی غذا ثواب ندارد!

\* سفره اندازان و سازندگان بنیادهای مذهبی، تلخی اسلام را در لقمه های شیرین خوراک مجانی به خورد مسلمانان شکمی ایرانی می دهند و افساری نامریی به گردن آنها می اندازند و بهر سو که بخواهند می کشند.

\* گناه سفره روندگان بمراتب بیشتر از سفره اندازان فریبکار است.  
\* اگر بخواهید درجه ایمان زنان مسلمان ایرانی را بدانید، خوراکیهای ماه رمضان و سفره های رقیه و خدیجه و هاشم و عباس و بی بی سه شنبه و غیره را پولی کنید، و هنگام دعوت به آنها بگویید برای خوراکیها نفری ده دلار می گیریم! آن شب سگ و گربه این خانم های مسلمان هم از نزدیکی آن مسجد و خانه سفره انداز رد نخواهند شد چه رسد به خودشان.

\* بدبختانه به سر ملت های بی هویت شده شکمی با ترفند خوراک مجانی می توان هر بلایی آورد.

\* روز و روزگاری در مراسم ختم و درگذشت افراد فقط یک دانه خرما داده می شد، کمی بعد حلوا به آن اضافه شد، سپس تر پلو قیمه توانست مردم بیشتری را به این مجالس بکشد، امروز در کنار همه آنها چلوکباب و میوه و دسر هم اضافه شده است، تنها کمبود مجالس مذهبی یک جام شراب یا یک شیشه آبجوست که البته مردان مسلمان از آخوندها آموخته اند که در خفا به ثواب نوشیدن این نوشابه های بهشتی هم برسند.

درست است که اسلام با شمشیر به دل ایرانی وارد شد اما امروز با خوراک مجانی در شکم ایرانی گیر کرده است.

## پرویز مینویی

## آیا خدا از اینترنت خبر ندارد

رادیو اعلام می کند، آقای اوباما ساعت چهار بعد از ظهر به وقت واشنگتن با مردم آمریکا در باره ..... سخن خواهد گفت، این سخنرانی از راه ماهواره و اینترنت و رادیو در سراسر جهان پخش می شود.

آیا خداوند عالم از اوباما هم ناتوان تر است که باید پیام های خود را از طریق پیامبران، آنهم به زبانی که ما نمی فهمیم بفرستد؟ آیا خدا از وجود تلفن و فکس و ایمیل و اسکایپ و فیس بوک و این جور وسایل خبررسانی بی خبر است که نمی تواند با مخلوق خود ارتباط مستقیم داشته باشد؟

فلان آخوند لیست نماینده های انتخاب شده را رو به آسمان می گیرد و می گوید، خدایا تو از انتخاب این نماینده ها راضی هستی؟ پس از مدتی سکوت رو به جمعیت حاضر در نماز جمعه کرده می گوید، «خدا گفت من راضی هستم»!!

این خدای بیچاره توانایی آن را ندارد که اعلام کند، ای مردم «این آخوند حسنی امام جمعه ارومیه از قول من به شما دروغ می گوید»

حتا در زمانهای گذشته، مثلاً زمان شاه عباس، اگر شاه می خواست به مردم کشورش دستوری بدهد بوسیله جارچی هایی که به محله های شهر می فرستاد آنها را آگاه می کرد که فلان روز در مقابل مسجد شاه یا مسجد جامع برای شنیدن فرمان پادشاه جمع شوید و در آنجا خود پادشاه یا نماینده او حکم و فرمان را برای مردم می خواند و رو در روی همگان برای مثال دستور می داد «ای مردم ایران، من پادشاه شما شاه عباس صفوی دستور می دهم، از این به بعد با پیروان سایر مذاهب ها و دین ها با مهربانی رفتار کنید و مراقب باشید کسی به آنها ظلم نکند»

امروز هم اگر خامنه ای بخواهد نظرش را به مردم بگوید، می آید جلوی دوربین تلویزیون و مستقیماً پیامش را می دهد و مردم هم بدون شک و تردید پیام را از دهان خود پیام دهنده می شنوند. آیا خداوند دانا و توانا به اندازه خامنه ای و آخوند حسنی نمی داند چگونه با مخلوق خود ارتباط برقرار کند تا مردم بدون تردید برسختن پیامبران، فرمان خدایشان را بپذیرند و اجرا کنند؟



## پیام‌های رسیده

\* من فقط پانزده سال دارم، در ایران زندگی می‌کنم و به‌زودی وارد دانشگاه خواهم شد. می‌گویند خیلی هم باهوش هستم، بیداری را تازگی‌ها در روی اینترنت دیده‌ام. خیلی خوشم آمد، امروز می‌توانم حتا مطالب یک شماره از بیداری را خودم به‌تنهایی آماده کنم و برایتان بفرستم. مدت کمی است متوجه پوچی مذهب شده‌ام. اگر در این راه گشته شدم لطفاً شما نام واقعی مرا اعلام کنید.

عرفان میهن پرست - ایران، از یک شهر کوچک مذهبی.

\* پیدایش حجاب در اسلام از زمانی آغاز شد که محمدابن عبدالله زن جوان پسر خوانده‌اش «زید» را از نزدیک دید، از او خوشش آمد و هوای شهوت بر او چیره شد و همانجا بود که آیه «فتبارک الله احسن الخالقین» و پشت سر آن چندین آیه دیگر مانند «زنانی را که پیامبر پسندد بر همگان حرام است» ساخت و به‌این شکل پسر خوانده بدبختش را مجبور کرد زن جوانش را طلاق بدهد که حضرت پیامبر آبی به‌آتش هوس خود بریزد و سپس تر برای اینکه همین بلا سرخودش نیاید و عرب دیگری زن او را بدون حجاب نبیند و از دست او درنیآورد آیه حجاب را ساخت که «زنان باید پوشیده باشند تا مردان را وسوسه نکنند». سام‌اهورا

\* کی می‌شود نعره زشت و شوم «الله و اکبر» که همان عربده‌ی مردم‌کش است برای همیشه در ملک کیان به‌خاموشی و فراموشی برود. آریا - م

\* هرکسی از این پس عید فطر را به‌من تبریک بگوید، من هم تولد چنگیز مغول را به‌او تبریک می‌گویم. افشین مهرآسا

چه زمانه‌ایست؟ مهرماه ۲۷۲۲ تشکیل نخستین دولت ایرانی «ماد» - ۲۵۷۲ هخامنشی - ۳۷۵۱ زرتشتی - ۵۷۷۳ یهودی - ۲۰۱۳ مسیحی - ۲۵۵۲ شاهنشاهی - کورش بزرگ - ۱۳۹۲ اسلامی از زمان فرار محمد از مکه به مدینه.

آیا مردمان هند، روز درگذشت نادرشاه را روز عزای ملی اعلام می‌کنند و آیا یهودیان روز خودکشی هیتلر را به‌سوگواری می‌نشینند که ما برای حسین و علی قاتلان پدران و مادرانمان گریه و زاری می‌کنیم یا اینکه باید در چنین روزهایی خوشحال باشیم که دشمنان ما زودتر کشته شدند و نتوانستند بیشتر از آن مردم ما را به کشتن و ثروت میهن ما را به باد بدهند.

## عرفان میهن پرست جوان ۱۵ ساله از ایران دین ما

پیامبر اسلام گفته «زمین، جهنم مؤمن، و بهشت کافران است» بنا بر این خدا و پیامبر می‌دانستند مسلمانها در زندگی خود شاهد بدبختی‌های گوناگون خواهند بود و یک زندگی جهنمی خواهند داشت. پرسش این است که اگر الله و پیامبر به این راز دردناک آگاه بودند چرا جلوی آن را نگرفتند و اجازه دادند مسلمانان مؤمن در جهنم زمین آتش بگیرند و نفله شوند و آب خوش از گلوی شان پایین نرود؟ همین پیامبر فرموده «هرکه با خدا باشد، خدا هم با اوست»، چرا در این ۱۴۰۰ سال خدا با مسلمانها نبوده است در حالی که هیچکس در این جهان به‌اندازه مسلمانها خود را دو دستی به‌خدا نچسبانده است؟ از دکتر مهرآسا می‌پرسم چرا الله در همه جای قرآن خود را با اسم جمع «ما» خطاب می‌کند، اما در چهار آیه ۱۴ تا ۱۷ سوره «طه» خود را «من» می‌نامد. و گاف دیگری در آیه ۳۶ سوره زخرف دیدم «هرکس از یاد خدای رحمان برتابد، شیطانی را بر او می‌گماریم که همنشین او گردد» در اینجا کلمه می‌گماریم یعنی چه شیطان مگر از فرمان خدا سرنزده و از پیروی او دست نکشیده است؟ حال چرا الله از وجود این موجود سرکش دیوانه بهره می‌گیرد و او را اینجا و آنجا به‌جان مردم انداخته و برآنها می‌گمارد؟

### بهباد مدائنی

## کلاس قرآن و بچه‌های بیگناه در سن دیاگو

من دو بچه هشت و ده ساله دارم که اینجا در سن دیاگو به‌مدرسه می‌روند. امسال در سه ماه تعطیلی مدارس متوجه شدم، بسیاری از پدر و مادرهای ایرانی نام فرزندان خردسال خود را در کلاسهای فراگیری و خواندن قرآن ثبت نام کرده‌اند! پدر و مادرانی که همه تحصیل‌کرده، دکتر و مهندس و وکیل و متخصص‌های درجه یک هستند و از لحاظ ظاهر هم انسان‌های فهمیده و روشنفکر و متمدن بنظر می‌رسند. اما در پشت این ظاهر پسندیده و مُدرن، اندیشه‌های مذهبی پوسیده‌ای را با خود حمل می‌کنند و سعی فراوان در حفظ و نگهداری خرافات دارند. در حالیکه ما و بسیاری از ایرانیان غم غربت و رنج دوری از میهن را به‌جان خریده‌ایم که از دست اینگونه افراد نجات پیدا کرده باشیم اما متأسفانه این‌ها اینجا هم دست از سر ما برنمی‌دارند و با مغزشویی فرزندان بیگناه آنها را هم مانند خود به‌گمراهی می‌کشانند و فضای زندگی آینده جهان را آلوده خرافات و اختلافات مذهبی می‌سازند.



## باران بهاری

## دشمنی الله با زن

در آیین آسمانی اسلام احکام زن ستیز بسیارند، دادن حق سرپرستی فرزندان به مردان یکی از این ستم‌های دردناک است که چه آثار سویی به روی بچه‌ها می‌گذارد. این حکم حتا اگر پدر بچه مُرده هم باشد پابرجاست و بچه را به فامیل پدر می‌دهند. جنس دوم بودن زن در اسلام یکی دیگر از شاهکارهای الله است که بردشمنی و ستم الله بر زنان صحنه می‌گذارد. مولای شیعیان علی ابن ابی طالب در خطبه‌های متعدد زنان را کم عقل می‌خواند. او حتا از خون همسرش که به دست یک مرد گشته شده بود گذشت و اعتراضی نکرد. چون او زنش را جنس دوم و ناقص العقل می‌پنداشته.

یا خود پیامبر اسلام که در کتابش به نام قرآن چندین بار زنان را تحقیر و ناچیز شمرده و زنان را کشتزار مردان دانسته است آنهم با لحنی بسیار زشت. اگر برآستی کوچکترین فرقی از لحاظ مدیریت، درایت و دانایی بین زن و مرد بود، چگونه است که ملکه الیزابت، آنکلا مرکل، هیلاری کلینتون، اوپرا، باربارا والترز و غیره در زندگی معاصر ما گوی رقابت را از بسیاری مردان ربوده‌اند. در اسلام زن کالایی است برای خرید و فروش و بهره‌برداری جنسی و هیچ ارزش دیگری ندارد و این همه از دشمنی الله و گاد و یهوه با زن است که پیامبرانش در کتابهای خود چنین ستمی را برآنان روا داشته‌اند.

برای الله فرستادن آیه آسانتر از سیر کردن شکم گرسنه‌ها بود  
سایت آزادی بیان

## ب - معزی - کرج

## کشور من

من در کشوری زندگی می‌کنم که زنهایش فکر می‌کنند اشکالی ندارد حقوق شان نصف مردها باشد، اشکالی ندارد هنگام تقسیم ارث به آنها کمتر از برادرشان بدهند، اشکالی ندارد حق طلاق و یا حق مسافرت بدون اجازه از یک مرد را نداشته باشند، اشکالی ندارد حق سرپرستی از فرزند نداشته باشند، آری من در کشوری زندگی می‌کنم که زنهایش هر خفت و ستمی را که بر او می‌دارند می‌پذیرند و می‌گویند اشکالی ندارد، حتا هنگامی هم که زن ایرانی فهمید ارزش جانش به ارزش نصف بیضه یک مرد است صدایشان در نیامد، زنان کشور من حتا آنها که در بیرون از ایران هم زندگی می‌کنند اکثرشان به این قوانین ظالمانه و غیرانسانی اعتراض و ایرادی ندارند و گویی از این پستی بدشان هم نمی‌آید. ما تاکنون یک نشریه از سوی زنان در باره تمام ستم‌های تاریخی که از دست ادیان برآنها گذشته است ندیدیم که منتشر شود و یا یک کتاب و مقاله فراگیر ارائه گردد.

هرچه می‌گذرد اثرات نوشته های بیداری در ایران و اخیراً افغانستان بیشتر دیده می‌شود آقای ارسطو فرهمند از جمله سدها نفری است که از دو سال گذشته بیداری را هرگاه که منتشر می‌شود مستقیماً در خانه خود در افغانستان با ایمیل دریافت می‌کند و می‌خواند و برای دوستانش می‌فرستد. و اینک پس از دو سال، اندیشه های تغییر کرده این هم زبان افغانی چنان دگرگونی در او ایجاد کرده است که خود دست به قلم بُرده و نوشته زیر را برای درج در بیداری فرستاده است، ضمناً ایشان شماره حساب بیداری را گرفتند که ۵۰ یورو به حساب بریزند. پیشاپیش سپاسگزاریم کار ارزشمند دیگری که ایشان یکسال پیش انجام دادند، تهیه ایمیل بسیاری از کارمندان دولت افغانستان بود که برای همه آنها بیداری فرستاده می‌شود.

## ارسطو فرهمند - افغانستان

## ترس از خدا و پیامبر او

پنج سالم بود که پدرم مرا مرتب به مسجد می‌برد تا دروس ابتدایی دینم را، از آخوند مسجد بیاموزم. نخستین درسی که از آموختن دین به یادم مانده است ترس از خدا و پیامبرش بود. آخوند همه روزه تکرار می‌کرد که «از خدا و پیامبر او باید بترسید تا گرفتار آتش جهنم نشویم»

هنگامیکه بزرگتر شدم با همین ذهنیت همیشه از خدا و پیامبرش می‌ترسیدم و برای رضایتش تمام دستورهای آنها را انجام می‌دادم. سال ۱۹۹۲ میلادی آغاز بحران ها و جنگ های داخلی در میهن من افغانستان بود که تمام دوره نوجوانی خود را با خاطرات جنگ و ترس از خدا سپری کردم. در جریان این سالها فجایع ضد بشری فراوانی را دیدم که به دست انسانهایی که شاید خیلی بیشتر از من هم خدا ترس بودند انجام میشد. تمام این خاطرات اندیشه های چالش برانگیزی را در ذهنم بوجود آورد که از خود می‌پرسیدم اگر ترس از خدا و پیامبرش باعث آسایش و پیروزی می‌گردد پس چرا در میهن من هیچکسی از فجایع روزمره در امان نمانده است و همه قربانی بی‌رحمی‌های دیگر هم وطنانشان قرار می‌گیرند. می‌پرسیدم چرا آن خدا و پیامبرش این افراد مذهبی و خدا ترس را در امان خود حفظ نکردند و بسیاری چراهای دیگر که بالاخره مرا به یکی از بی‌ترس ترین ها در خانواده و فامیل تبدیل کرد و واقعیت های بسیار شگفت‌انگیزی را برویم گشود تا بقیه دروغهای بزرگی را که آخوندها به ما گفته بودند کشف کنم. حالا هم پیشنهاد من برای کسانی که خدا ترس هستند این است که تا بی‌ترس نشوید و ترس را از دل بیرون نیاندازید ذهن و ادراکتان رشد و انکشاف نمی‌کند و توانایی تشخیص راست و دروغ، واقعیت ها و زیانهای خرافات را بدست نخواهید آورد.

بدترین ترس، ترس از حقیقت است. نه ترس از موهومات

برزوم



## ترور به نام خدا

ترور به نام خدا، نام کتاب تازه منتشر شده‌ای است که آقای پرویز دستمالچی نویسنده و کوشنده سیاسی ساکن آلمان در آمریکا به چاپ رسانده است.

جاذبه نام کتاب «ترور به نام خدا» ما را برآن داشت تا یک گفتگوی اختصاصی با نویسنده کتاب داشته باشیم.

**بیداری - آقای پرویز دستمالچی، انگیزه شما در نوشتن این کتاب چه بوده است.**

**دستمالچی -** من در آلمان زندگی می‌کنم، در آلمان جلوی بعضی منازل سه تابلوی برنزی نصب شده است که روی یکی از آنها یک نام و به روی آن دو تابلو دیگر تاریخ هایی حک شده است. این نام ها که در روی تابلو نوشته شده است نام کسانی است که در زمان هیتلر مردم را در این خانه ها زندانی، شکنجه و اعدام می کردند. و تاریخ ها هم تاریخ کشف و دستگیری این افراد و تاریخ اعدام آنهاست. در زیر این سه تابلو این جمله هم دیده می شود که انگیزه اصلی من در نوشتن این کتاب گردید «ما این را در اینجا نوشتیم تا شما بخوانید و بدانید که آزادی شما چه بهای سنگینی داشته است»

**ب -** به نظر می رسد شما این کتاب را بر مبنای ترورهای جمهوری اسلامی از ایرانیان چه در درون و چه در بیرون از ایران نوشته اید، آیا شما بیمی از مردم متعصب پیروان آخوندها و یا تروریست های جمهوری اسلامی ندارید.

**د -** من نگرانی ام از مردم عادی و متعصب نیست، چون آنها همه جا هستند. اگر نگرانی وجود داشته باشد از حکومتی است که دو مرتبه تروریست های خود را به اینسو و آنسوی دنیا بفرستد، چون در پشت همه ترورهای سیاسی که در بیرون از کشور انجام شده یک نظام سیاسی قرار داشته است. چون من خود در سال ۱۳۹۲ شاهد نزدیک یکی از همین ترورها بودم که به ترور می کونوس معروف شد. و من از آن ترور جان سالم بدر بُردم اما چهار نفر درجا کشته شدند بهرحال همه این سالها نگرانی وجود داشته است.

**ب -** آقای دستمالچی آیا این جهان هستی را خدایی هست که خداپرستان به نام او دست به ترور می زنند.

**د -** برای دست زدن به ترور الزاماً مسئله خدا لازمهاش نیست، شما می توانید خدایی هم نداشته باشید و دست به ترور بزنید، ترور می تواند انگیزه دین یا انگیزه سیاسی داشته باشد که بیشتر برای حفظ و تحکیم قدرت انجام می دهند. این را هم باید در نظر داشت مساله دین و مذهب و تبدیل کردن آن به یک ایدئولوژی حکومتی، تنها یکی از ابزارهایی است که تعصبات و یکسویگری اش منتهی به ترور دگراندیشان می شود.

البته اگر شما راجع به خدای طالبان در افغانستان و یا خدای جمهوری

اسلامی در ایران سخن می گوید نه، آن خدایی که آنها را نمایندگی می کند وجود ندارد و ما خود به عنوان انسان به مراتب از آن خدا بهتر عمل می کنیم و بطور کلی بشریت تا به امروز نتوانسته پاسخ علمی به این پرسش بدهد. اما من خودم فکر می کنم پیشرفت های علمی و دست آوردهای دانش وجود چنین خدایی را رد کرده است.

**ب -** یکی از ابزارهای ترور برای حکومت های مذهبی نادانی مردم است، چگونه مردم را باید به آگاهی رسانید تا آلت دست حکومت ها نشوند.

**د -** ما برای دادن آگاهی ابتدا نیاز به داشتن یک حکومت و جامعه دموکرات داریم که در آن آزادی اندیشه و آزادی بیان تضمین شود. برخلاف تصور رایجی که در میان ما هست، آزادی رابطه فرد با حکومت است، چون آنکس که نمی گذارد شما اندیشه خود را بیان کنید و یا مطبوعات آزاد داشته باشید حکومت است. چون در برخی از نوشته ها دیدم مساله آزادی را در رابطه با عرفان و تزکیه نفس عنوان می کنند که اینها همه یک امر خصوصی است که شما اینگونه آزادی را در حکومت های توتالیتر هم می توانید داشته باشید، مساله آزادی رابطه بین فرد با حکومت است که دموکراسی های مدرن آن را تضمین می کنند و مبنای کارشان هم اعلامیه جهانی حقوق بشر می باشد. من فکر می کنم تنها از راه روشنگری به همراه تقدس زدایی و به همراه عقل گرایی می توان به چنین جامعه ای رسید.

**ب -** فکر نمی کنید برای روشنفکران جهان توهم زدایی از دین و مجموعه وابسته به آن باید اهمیت بیشتری از مسایل سیاسی داشته باشد.

**د -** من مجموعه جامعه را یک سیستم می بینم که هر بخش از سیستم باید وظیفه خودش را انجام بدهد تا کل سیستم کار کند، من عین این نگاه را نسبت به امور جامعه دارم، یک روشنفکر روشنگر باید کار خود را انجام بدهد و یک اندیشمند سیاسی به کار خود بپردازد، اما در مورد زمینه روشنگری، باید تقدس زدایی و خردگرایی همزمان انجام گیرد و آن دیگری هم خردگرایی را در زمینه فلسفه حکومت مدنظر قرار بدهد، و همه اینها مجموعه ایست جداناپذیر، زمانی که علم در اروپا رشد خود را آغاز کرد باعث بوجود آمدن بخش دیگری از منطق و واقعیات شد که آنهم ضربه دیگری به دنیای کلیسا زد و روشنگری در زمینه چه کسی باید حکومت کند و قانونگذار کیست و چرا، باعث بحث هایی شد که کانت و روسو مطرح کردند که بعداً منتسکیو آن را در انقلاب فرانسه به واقعیت عینی رسانید. بنا بر این پاسخ دقیق شما این است که آنهایی که تقدس زدایی می کنند کارشان درست است آنها که خردگرایی می کنند کارشان درست است و آنها که در کار سیاست هستند آنها هم کارشان درست می باشد که مجموعه این ها دست به دست هم می دهند تا جامعه ای مدرن ساخته شود.

**ب -** آقای دستمالچی اگر مدیریت ایران را به دست شما بسپارند با این آخوندها چکار خواهید کرد. مانده در شماره ی آینده



## Thinking points for Iranian youth

When Quran treats women in such a disgraceful maney, one may wonder why almighty Allah created women after all. Was it not better to have no woman at all? Actually, Quran does not really know the reason for creation of woman because Quran is not really from God. Muhammad himself with the Help of a few of his scribes Abul Kasem wrote it.

Bangladesh

پیامبر اسلام اهل احترام گذاردن به باورهای دیگران (بت پرستها) نبود، چرا ما به عقاید او و فرزندانش باید احترام بگذاریم.

برای تهیه ۶۰ شماره بیداری که به صورت ۳ جلد کتاب شده به نام خردنامه بیداری به تلفن های زیر مراجعه نمایید.

|             |              |
|-------------|--------------|
| دفتر بیداری | ۰۰۱۳-۳۲۰-۸۵۸ |
| کلبه کتاب   | ۶۱۵۱-۴۴۶-۳۱۰ |
| شرکت کتاب   | ۷۴۷۷-۴۷۷-۳۱۰ |

تلفن و فکس بیداری 320-0013 (858)  
[bidari2@Hotmail.com](mailto:bidari2@Hotmail.com) [www.bidari.org](http://www.bidari.org)

## بیداری

نشریه کانون خردمداری ایرانیان

## ای ایرانی!

چطور لباس پوشیدنن امروزی شده است؟ غذا خوردنن امروزی شده است؟ مسافرت رفتن و تفریح کردنن امروزی شده است؟ اما اندیشه ات اندیشه چند هزار سال پیش باقی مانده است؟  
 دکتر علیرضا آثار

تا اسلام هست ایران و مصر همان جهنمی خواهد بود که الله وعده آن را برای پس از مرگ داده است.

برای دریافت این نشریه با پست به شماره  
 ۰۰۱۳-۳۲۰-۸۵۸  
 تماس بگیرید فوراً فرستاده می شود.

پیامبران و امامان اهل کار کردن نبودند. آنها نان حماقت مردم را خوردند و بچه درست کردند. مان دانا

First Std  
 U.S. Postage  
 Paid  
 San Diego, CA  
 Permit No. 2129

BIDARI  
 بیداری  
 P.O. BOX 22777  
 San Diego CA 92192  
 U.S.A